

تحلیلی بر عوامل و فرایندهای کلان اقتصادی، زیست محیطی و مدیریتی موثر بر زیست پذیری شهری (مورد پژوهش: منطقه ۱۲ شهر تهران) فروغ خزاعی نژاد^۱

استادیار دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۱

چکیده

توسعه روزافزون جمعیت شهری و کاهش کیفیت شرایط زیست در شهرها از یک سو و جایگزینی رویکردهای کیفی به جای توجه به استانداردهای کمی از سوی دیگر باعث طرح و رونق یافتن موضوعاتی نظیر زیست پذیری شهری شده است که در مقیاس ها، قلمروها و ابعاد مختلف قابل بررسی است. بر خلاف روش معمول مطالعات در زمینه زیست پذیری که آن را حاصل شرایط و وضعیت کنونی یک مکان می داند، ایده پژوهش حاضر بر اساس قبول زیست پذیری به عنوان پدیده ای تبعی و منتج از ماهیت عواملی است که تحولات شهر و شهرنشینی را شکل می دهند. از این رو نظر به محدوده مکانی مورد مطالعه که منطقه ۱۲ شهر تهران می باشد شناخت و درک زیست پذیری بخش مرکزی شهر تهران منوط به بازشناسی عوامل و فرایندهای تحول نظام شهری تهران در کلیت خود و دگرگونی های بخش مرکزی این شهر به طور خاص است. نتیجه تحقیق که بر پایه مطالعات کتابخانه ای و میدانی (تکمیل پرسشنامه به روش نمونه گیری گلوله برفی از اساتید برجسته دانشگاهی و کارشناسان متخصص و منتخب شهرداری منطقه ۱۲ شهر تهران) و آزمون فریدمن برای سنجش میزان اثرگذاری گویه ها انجام شده است نشان می دهد عوامل کلان همچون بسط روابط سرمایه داری، ورود ایران به تقسیم کار جهانی، اقتصاد مبتنی بر نفت، صنعتگرایی، مدرنیسم، تصمیمات، قوانین و طرح های شهری، تحولات جمعیتی و عوامل محیطی، برخی از مهم ترین عوامل شکل دهنده به تحولات شهر و شهرنشینی تهران و بالتبع وضعیت زیست پذیری بخش مرکزی و منطقه ۱۲ آن است. از این رو وضعیت زیست پذیری یک مکان را می توان به عواملی فراتر از عوامل خرد محلی نسبت داد.

واژگان کلیدی: زیست پذیری، عوامل خرد و کلان، منطقه ۱۲، شهر تهران.

مقدمه

شهرنشینی معاصر ایران همانند بسیاری از کشورهای توسعه نیافته بازتاب فضایی تحول در سازمان یابی تولید و به طور مشخص بازتاب بسط سرمایه داری پیرامونی است. این جریان موجب بسط امکانات اشتغال و زندگی در برخی نقاط (شهرها) و کاهش این امکانات در نقاط دیگر (روستاها) شد که زمینه مهاجرت های داخلی و شهری شدن جامعه ایران و هجوم سیل آسای مهاجران روستایی، افشار شهری جویای کار و در جستجوی رفاه بیشتر را به سوی شهرها سبب شد. در این میان شهر تهران به عنوان پایتخت بیش از سایر شهرها در معرض تغییر و تحول قرار گرفت. نقطه عطف تحول این شهر و خروج از تعادل و توازن تاریخی آن، مقارن حکومت پهلوی اول و دگرگونی های بنیادی تر از دهه ۴۰ و در اثر اصلاحات ارضی، صنعتگرایی و حاکمیت بیش از پیش دولت و تمرکز درآمدهای نفتی در دست آن و آغاز برنامه ریزی متمرکز برای مناطق و شهرهای مختلف و ویژه تهران بوقوع پیوست. یکی از نتایج این فرایند، شکل گیری شهری دو قطبی از لحاظ جغرافیایی و اقتصادی- اجتماعی بود که باعث شکاف بین بخش مرکزی و سایر مناطق شهر تهران شد. جریان مذکور در دهه های پس از انقلاب اسلامی نیز به دلایلی چون ضعف سیاست های کنترل جمعیت، جنگ تحمیلی و تشدید تمرکزگرایی سیاسی و حکومتی همچنان ادامه یافت و فراتمرکزگرایی شهری را در منطقه تهران بوجود آورد که خود سبب پیدایش حاشیه نشینی، فقدان و کمبود تاسیسات و تجهیزات زیرساختی، وخامت روز افزون حمل و نقل و ترافیک شهری، کمبود مسکن و سوداگری زمین و مسکن گردید (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۴۱). در نتیجه شهر تهران که در آغاز رابطه ای متوازن و متعادل با نظام شهری ایران و در درون، میان محله های خود داشت و حیات یک شهر سنتی ایرانی- اسلامی که واجد صلاحیت های زیست و زندگی مناسب بود نمایندگی می کرد، دچار تحولات گسترده ای شد. از همین زمان بخش مرکزی شهر تهران رو به افول گذاشت و بسیاری از ویژگی های مثبت و سازنده خود از جمله زیست پذیری را به تدریج از دست داد. نظر به مباحث مطرح شده و با قبول ارتباط میان عوامل و فرایندهای کلان (اقتصادی، زیست محیطی و مدیریتی) و زیست پذیری به عنوان فرض کلی تحقیق "آیة بنیادی مقاله حاضر این است که زیست پذیری شهری، پدیده ای است که وضعیت مطلوب یا نامطلوب آن تحت تاثیر عوامل و فرایندهای کلانی است که تحولات کلی شهر و شهرنشینی را شکل دهد و هرچند زیست پذیری در بستر دنیای واقعی و مقیاس محله ها یا شهرها بروز می یابد و تحت تاثیر عوامل خرد مکانی و محیطی قرار دارد و به عبارت بهتر امری نسبی و تابع زمان و مکان است اما ناشی از شرایط کلان و گسترده تری است که در طی زمان وضعیت حال را بوجود آورده است.

بر این اساس مساله نوشتار حاضر شناخت و تحلیل عوامل کلان اقتصادی، زیست محیطی و مدیریتی اثرگذار بر شکل گیری شرایط حاضر زیست پذیری در بخش مرکزی شهر تهران است. از این رو پژوهش حاضر در تلاش است تا به این سؤال پاسخ دهد: آیا عوامل و فرایندهای کلان اقتصادی، زیست محیطی و مدیریتی بر زیست پذیری بخش مرکزی شهر تهران اثرگذار بوده است یا خیر؟ بر این اساس فرضیه پژوهش مبتنی بر وجود رابطه میان عوامل و فرایندهای کلان اقتصادی، زیست محیطی و مدیریتی با وضعیت و شرایط حاضر زیست پذیری منطقه ۱۲ شهر تهران است.

مبانی نظری

واژه زیست پذیری که معادل liveability در لاتین می باشد، واژه ای با معنایی آشنا، اما دشوار برای تعریفی دقیق است. در ساده ترین تعریف، زیست پذیری را مناسب برای زندگی بیان کرده اند. برخی پژوهشگران نیز به جنبه های مختلف آن توجه کرده و با نگاهی جزئی تر به تعریف آن پرداخته اند. اگرچه می توان گفت قدمت اقدامات برنامه ریزی برای شهر زیست پذیر یا زیست پذیر کردن شهرها، با توجه به موضوعاتی چون مکان های سالم برای استقرار سکونتگاه ها، کنترل منابع آب و غذا، مقابله با شرایط آب و هوایی، دفاع در برابر دشمنان، تامین هوای پاک و بسیاری موارد مشابه دیگر به سکونتگاه های اولیه بشری می رسد، اما ایده کنونی شهر زیست پذیر از جهان غرب و احتمالاً با نظریات جاکوبز (۱۹۶۱) در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکا شروع شد. اصطلاح شهر زیست پذیر اولین بار توسط بنیاد ملی هنر امریکا^۱ و برای برنامه های طراحی شهری مبتکرانه آنها به کار گرفته شد (Larice, 2005:58) و در اواسط دهه ۱۹۷۰ مقبولیتی عام یافت و در انتشارات، دانشگاه ها و برخی سازمان های دولتی مورد توجه قرار گرفت و از این زمان به بعد، گسترشی جهانی یافت. ^۳ت اغد

پیشینه تحقیق در مطالعه زیست پذیری شهری در ایران به رساله دکتری بندرآباد با عنوان تدوین اصول الگوی توسعه فضایی و شکل شهر زیست پذیر ایرانی (مطالعه موردی مناطق ۱، ۱۵ و ۲۲ تهران) (بندرآباد، ۱۳۸۹) و در زمینه زیست پذیری روستایی به رساله دکتری محمدمامین خراسانی در خصوص زیست پذیری روستایی با رویکرد کیفیت زندگی (خراسانی، ۱۳۹۱)، باز می گردد. در سال های پس از آن مطالعات متعددی در این زمینه انجام شد. اما آنچه پژوهش حاضر را از تحقیقات انجام شده متمایز می سازد تاکید بر عوامل و فرایندهای کلان منتحب این پژوهش (اقتصادی، مدیریتی و زیست محیطی) از نگاه متخصصین به جای توجه صرف به شاخص های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در ارزیابی وضع موجود زیست پذیری یک مکان از دیدگاه ساکنان آن است.

روش شناسی تحقیق

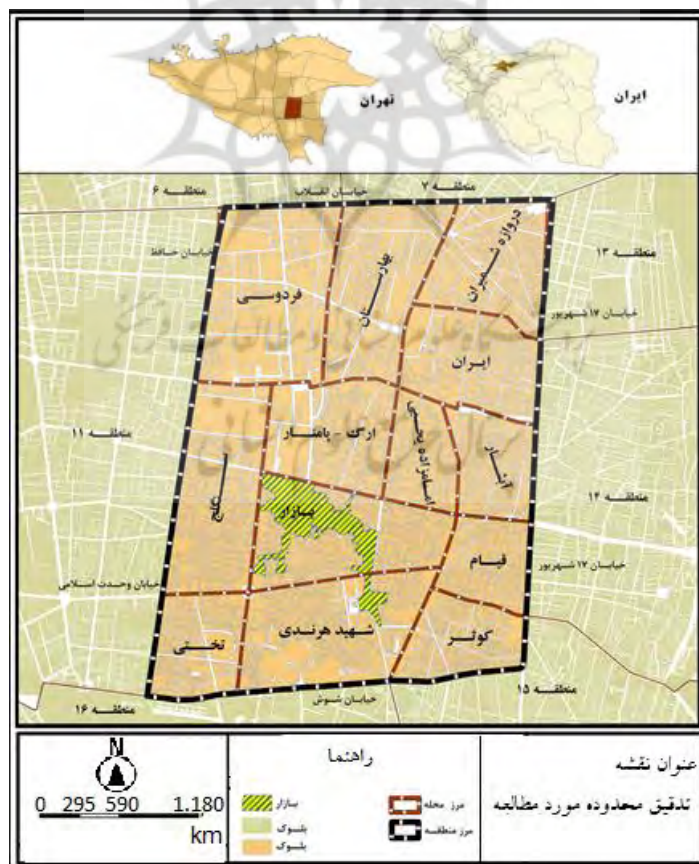
از آن جا که بدون شناخت عوامل و مکانیسم های بوجود آورنده یک وضعیت، امکان برخورد منطقی و کارآمد با آن وجود ندارد، شناخت ساخت و کارهای بوجود آورنده و اثرگذار بر زیست پذیری نیز اجتناب ناپذیر است. بر این اساس و با توجه به هدف پژوهش می توان تحقیق حاضر را از نوع بنیادی- توسعه ای دانست. روش گردآوری داده در این مقاله مبتنی بر دو روش اسنادی و میدانی است. همچنین ترکیبی از روش های توصیفی و تحلیلی مبتنی بر داده های جمع آوری شده به روش اسنادی- کتابخانه ای و روش های آماری و کمی مبتنی بر داده های حاصل از اطلاعات گردآوری شده به روش میدانی (پرسشنامه خبرگان) استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه از یک سو اساتید و پژوهشگرانی می باشند که یا در مورد شهر تهران فعالیت علمی و پژوهشی داشته یا دارند و یا زیست پذیری زمینه مطالعاتی و پژوهش آنهاست و از سوی دیگر کارشناسان و صاحب نظران شهرداری منطقه ۱۲ شهر تهران هستند که نسبت به گذشته و حال منطقه مطلع بوده و دید جامعی نسبت به آن دارند. نظر به جامعه آماری مطرح شده که خبرگان هستند انتخاب نمونه به روش نمونه گیری گلوله برفی انجام شده است. استفاده از این روش در

¹ National Endowment for the Arts (NEA)

مواردی است که اولاً دسترسی به افرادی که دارای ویژگی‌های مورد نظر محقق باشند، مشکل است (نادری فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۱) و ثانیاً انتخاب مشارکت‌کنندگان با هدف دستیابی به بیشترین اطلاعات در مورد موضوع مورد بررسی انجام می‌شود (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳۸).

محدوده مورد مطالعه

از تهران می‌توان به عنوان نماد ملی یا خاطره مشترک همه مردم ایران یاد کرد. تهران نه تنها پایتخت اقتصادی و سیاسی ایران که پایتخت فرهنگی و اجتماعی کشور نیز هست. نظر به این اهمیت مطالعه این شهر و منطقه‌های آن همواره از اولویت‌های پژوهشی بوده و خواهد بود (افشانی، ۱۳۹۷: ۱۲۲). منطقه ۱۲ شهر تهران با مساحتی بالغ بر ۱۶ کیلومتر مربع که معادل ۳/۲ درصد از مساحت کل شهر است و شامل ۶ ناحیه و ۱۳ محله می‌باشد به عنوان محدوده مورد مطالعه در این پژوهش انتخاب گردیده است. این منطقه از شمال به خیابان انقلاب، جنوب به خیابان شوش، شرق به خیابان ۱۷ شهریور و از غرب به خیابان وحدت اسلامی محدود می‌شود. منطقه ۱۲ طبق آمار سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، ۲۴۰۷۲۰ نفر جمعیت دارد. محله‌های منطقه ۱۲ شامل محله‌های فردوسی و بهارستان در ناحیه یک، محله امام زاده یحیی، محله پامنار و بخشی از محله سنگلج در ناحیه دو، محله بازار و سنگلج در ناحیه سه، محله شهید هرنندی و محله تختی در ناحیه چهار، محله آبشار، محله قیام و محله کوثر در ناحیه پنج و بالاخره محله ایران و دروازه شمیران در ناحیه شش می‌باشند.



نقشه ۱: محدوده منطقه مورد مطالعه (منطقه ۱۲ و محله‌های آن)

منبع: نقشه پایه محله‌های منطقه ۱۲، اصلاح و تنظیم نگارنده

تحلیل و بررسی

اگرچه مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی پژوهش که مبتنی بر آثار و تالیفات خارجی و داخلی زیست پذیری است نشان می‌دهد تاکنون اجماع نظر در تعریف زیست پذیری به وجود نیامده است، اما در تعاریف ارائه شده مشترکاتی چون تامین رفاه و رضایت ساکنین، کیفیت زندگی، تامین نیازهای گوناگون، دستیابی به زندگی مطلوب و رضایت بخش و ... به چشم می‌خورد. بنابراین و اگر زیست پذیری را زیرمجموعه‌ای از پایداری بدانیم که مستقیماً بر ابعاد فیزیکی، اجتماعی-اقتصادی و روانی زندگی مردم تاثیر می‌گذارد و دربرگیرنده مجموعه‌ای از ویژگی‌های اکتسابی محیط می‌باشد که آن را به مکانی مطلوب، مناسب و جذاب برای زندگی، کار و بازدید همه مردم تبدیل می‌کند و این ویژگی‌ها به دو دسته عینی (دسترسی به زیرساخت‌های شهری، امنیت، گزینه‌های مختلف جابه‌جایی و حمل و نقل، مسکن، سلامت و امکانات بهداشتی، تفریح، فضاهای عمومی جذاب و فرصت‌های اقتصادی) و ذهنی-روانی (حس تعلق به مکان، هویت محلی، سرمایه اجتماعی، همبستگی، عدالت، صمیمیت و راحتی) قابل طبقه‌بندی است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۸)، می‌توان عوامل و فرایندهای کلان موثر بر زیست پذیری را در سه بعد کلی به شرح زیر دسته‌بندی و تحلیل کرد: ۱. بعد اقتصادی ۲. بعد زیست محیطی ۳. بعد مدیریتی. بنابراین و با توجه به سوال تحقیق، در این قسمت به بررسی و تحلیل سه بعد کلان اثرگذار بر زیست پذیری منطقه ۱۲ شهر تهران خواهیم پرداخت. در همین راستا و برای تحلیل و درک بهتر هر بعد کلان، ابتدا به بررسی و توضیح هر بعد پرداخته و آنگاه میزان اثرگذاری عوامل و شاخص‌های هر بعد را با بهره‌گیری از نظرات خبرگان و متخصصان ارزش‌گذاری و اولویت‌بندی می‌کنیم.

عوامل اقتصادی

تهران، پایتخت ایران در بدو شکل‌گیری مجموعه‌ای از ده‌های متمرکز به مرکزیت یک هسته به نام شار بوده است (زندئ، ۱۳۹۴: ۱۱۹) که از چهار محله عودلاجان، چاله میدان، بازار و سنگلج تشکیل شده بود (در محدوده منطقه ۱۲ فعلی قرار دارند). با گذشت زمان و توسعه تجارت و کشاورزی در تهران، عناصر و عملکردهای شهری آن گسترش پیدا کرد. از جمله ارگ دولتی در کنار بازار تهران شکل گرفت که در دوره‌های بعد به یکی از مراکز اصلی شهر تبدیل شد. اگرچه این انتخاب نقطه عطفی در تاریخ توسعه شهر و شهرسازی بود، اما الگوی ساخت و ساز و توسعه شهری در این زمان همچنان ادامه شیوه‌ها و روش‌های پیشین بود و بازار همچنان ستون فقرات شهر و تجارت شهر منحصراً در بازار متمرکز بود (دوپلانول، ۱۳۵۸: ۱۶۰). الگوی ساختار کالبدی اصلی شهر در این زمان خطی و عناصر مهم آن (ارگ و مسجد جامع) در مجاورت محور خطی اصلی بازار قرار گرفته بودند که نشان‌دهنده نقش و اهمیت بازار تهران است (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۵۰-۴۷). در این زمان مهمترین اقدامات عمرانی انجام شده در زمینه اقتصاد مانند ایجاد صنایع جدید نظیر بلورسازی، چینی‌سازی، کاغذسازی (بیرون دروازه دولت)، ریسمان ریزی، چلواربافی (در محل ضرابخانه) و اسلحه‌سازی (قورخانه) در داخل ارگ عمدتاً بوسیله امیرکبیر انجام شده بود. وی همچنین اقدام به تاسیس "مجمع الصنایع" در بازار کرد که انواع صنایع جدید در آن به فعالیت پرداختند (داودپور، ۱۳۸۴: ۸۷). از این رو، در این زمان صنایع، مشاغل و تاسیسات محدود موجود، عمدتاً در داخل

شهر و بویژه در مجاورت بازار قرار داشتند که منطبق با مرز منطقه ۱۲ شهر تهران در زمان حاضر است. با آغاز حکومت پهلوی اول، تحولاتی در شیوه‌های تولید پیش سرمایه‌داری و توسعه مناسبات سرمایه‌داری و در یک کلام تحولات اقتصادی معاصر ایران شروع شد که روند تحول و توسعه آن را به مسیری تازه کشانید. دولت رضا شاه بر اثر ضعف تاریخی بورژوازی ایران، تحقق بسیاری از اقدامات مربوط به سرمایه‌گذاری را خود راسا بر عهده گرفت و اقدامات گسترده‌ای برای نوسازی کشور انجام داد (حسامیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۵). از این رو، مرحله اول صنعتی شدن ایران در این زمان و با احداث کارخانه‌های سیمان، چیت‌سازی، هواپیماسازی و دخانیات در پیرامون شهر تهران اتفاق افتاد. در زمان صنعتی شدن، از یک سو به واسطه فراهم بودن برخی زیرساخت‌ها در شهرها و از سوی دیگر ذات سرمایه‌داری که شهرها را به عنوان بستر اصلی رشد و توسعه در نظر می‌گرفت، صنایع گرایش به استقرار در شهرها و بویژه تهران را داشتند. علاوه بر این، کالایی شدن کشاورزی و ایجاد صنعت نفت، مرکز اداری کشور را به محل واسطه‌گری و پلی میان کشور و بقیه جهان تبدیل کرد، به گونه‌ای که تهران مقر ساختار قدرت به طور فزاینده متمرکزی شد که بر ویرانه‌های اقتصاد فئودالی مناطق پراکنده استقرار یافته است (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۴۰). ارتباط ایران با کشورهای توسعه یافته افزایش و منجر به واردات گسترده کالاها گردید که به لحاظ اقتصادی به معنای مصرف آنها، پیش از تولید و ورود کالاهای صنعتی، پیش از صنعتی شدن بود. از آنجایی که توان جامعه تولیدکننده ایران در آن زمان، تولید مشابه این کالاها در داخل نبود، به تدریج زمینه‌های تغییر در الگوی تولید، توزیع و مصرف در جامعه فراهم شد. پدید آمدن نهادها و سازمان‌های جدید که لازمه توسعه اقتصاد مبتنی بر بازار است، تاثیر قاطعی بر تحولات شهرنشینی این دوره داشت (حسامیان، ۱۳۸۸: ۱۶)، به گونه‌ای که تحولات عمیق و گسترده اقتصادی چون از بین رفتن بسیاری عملکردها و مشاغل پیش سرمایه‌داری و یا کم‌اهمیت شدن آنها بوجود آمد و در مقابل، برخی مشاغل جدید بوجود آمده و رشد کردند. برای مثال می‌توان به از بین رفتن کارگاه‌های تولیدی کوچک داخلی (ابریشم بافی، پارچه بافی و ...) اشاره کرد (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۲۳). اما با گذشت زمان و افزایش بی‌رویه واردات، این کارگاه‌ها که عمدتاً در بازار تهران و یا در مجاورت آن قرار داشتند به تدریج جای خود را به انبارکالاهای وارداتی دادند. این امر باعث تغییرات کاربری از مسکونی به تجاری و انبار شده و زمینه غالب تجاری را در منطقه ۱۲ بوجود آورد، چنانکه در حال حاضر بخش عمده محله‌های شهید هرندی، بازار و پامنار به انبار کالا تبدیل شده است.

با اتخاذ سیاست صنایع به عنوان جانشین واردات در دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای برای ایجاد زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های تولیدی در بخش صنعت انجام شد. شکل‌گیری مشاغل و صنایع جدید نیازمند مکان و زیرساخت‌های متعدد و خاص بود و بالطبع جابه‌جایی‌هایی در این باره بوقوع پیوست که موجب تحقق پدیده برون‌افکنی در مقیاس وسیع برای این شهر شد. از این رو برخلاف گذشته (دوره قاجارها و قبل از آن) که صنایع و مشاغل در مرکز و قلب تجاری شهر تهران مستقر بودند، از این زمان جریان و جهتی جدید و رو به سوی خارج شهر را در پیش گرفتند، چنانکه سال ۱۳۲۰ را خاتمه دوران تمرکز در تهران می‌دانند (داودپور، ۱۳۸۴: ۹۵). بوجود آمدن مراکز کار و سکونت در خارج از شهر از یک سو و جاذبه‌های اقتصادی و طبیعی چون چشم‌اندازهای

زیبا و آب و هوای تمیز از سوی دیگر، کم کم زمینه کاهش تمایل به کار و بویژه سکونت در بخش مرکزی شهر را بوجود آورد.

در سال ۱۳۵۲ با افزایش محسوس درآمدهای نفتی، ناگهان همه چیز تغییر یافت و این رویداد، ایران را در صدر سرمایه گذاران کلانی قرار داد که امکان هزینه کردن مبالغ قابل توجهی را در طرح های بلندپروازانه و پر خرج در اختیار داشتند. هجوم لجام گسیخته سرمایه ها، اولویت ها را به کلی تغییر داد. افزایش درآمدهای نفتی به همراه نقش سیاسی و حکومتی مهم تهران در این دوره، موجب تمرکز درآمدهای نفتی در این شهر شد و زمینه را برای ورود کالاهای سرمایه ای و واسطه ای و در نتیجه مشاغل خدماتی هموار کرد. این جریان از یک سو منجر به مصرف گرایی و از سوی دیگر منجر به افت و کاهش تولیدات کارگاه ها و صنایع کوچک داخلی شد. مهمترین دلیل این امر تمرکز درآمد نفت در دست دولت بود که منجر به مداخله دولت در امور تولید و توزیع و نیز پیدایش مشاغل جدید سیاسی، ارتش، سازمان های امنیتی، تلویزیون و منضامات آن و ... گردید (حسامیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

با توجه به مجموع مباحث مطرح شده در بعد اقتصادی باید گفت شرایط موجود اقتصادی و بالطبع زیست پذیری منطقه ۱۲ بی تردید تحت تاثیر مجموعه شرایط اقتصادی کلان و فرامنطقه ای یاد شده بوده است. اطمینان از میزان صحت و روایی مباحث مطرح شده با نتایج نظرخواهی از متخصصان و کارشناسان ذی ربط که در جدول ۱ آمده است، بررسی می شود:

جدول ۴: عوامل اقتصادی کلان و میزان اثرگذاری آن ها بر شرایط زیست پذیری منطقه ۱۲

وضعیت	اثرگذاری	گویه	میزان اثرگذاری
۵/۰۷	مرکزیت تجاری منطقه ۱۲ و نقش غالب تجاری آن	اثرگذاری زیاد	
۴/۷۱	نقش بازار تهران و عملکرد فرامنطقه ای آن		
۳/۴۳	تغییر الگوی تولید، توزیع و مصرف جامعه شهری.	اثرگذاری متوسط	
۳/۱۸	صنعتی شدن و در نتیجه تمرکز و تراکم جمعیت در شهرها.		
۲/۶۴	رشد بخش خدمات و رکود بخش تولید.	اثرگذاری کم	
۱/۹۶	استقرار صنایع در اطراف شهر تهران.		

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶

همانطور که در نتایج حاصل از بررسی نظرات متخصصین آمده است، مرکزیت تجاری و حضور پررنگ محله بازار از ابتدای شکل گیری شهر تهران به عنوان یکی از اولین محله ها و باقی ماندن آن به عنوان ستون فقرات اقتصادی فرامنطقه ای و حتی کشوری تا زمان حاضر اثرگذارترین عامل کلان در زیست پذیری منطقه است. در این زمینه همچنین باید به تغییر الگوی تولید و توزیع جامعه و شکل گیری صنایع جدید در زمان پهلوی اول و افزایش درآمدهای نفتی و در نتیجه آن جایگزینی واردات به جای تولید در زمان پهلوی دوم نیز به عنوان عوامل کلان خارج از محدوده منطقه ۱۲ اشاره کرد که منجر به جابه جایی صنایع از مرکز شهر به سوی بیرون شهر شده و در نتیجه بی تاثیر در وضعیت زیست پذیری و تمایل به زیست منطقه نبوده اند.

عوامل زیست محیطی

زیست پذیری یک سکونتگاه به نوعی می تواند بیانگر پایداری سکونتگاه باشد که با آثار و پیامدهای منفی محیطی کاهش می یابد. از این رو عوامل محیطی، یکی از عوامل موثر بر زیست پذیری است. اگرچه کلانشهر تهران دارای

مشکلات متعدد زیست محیطی است اما وجه مشخص مشکلات زیست محیطی برای مردم، آلودگی هواست (افشانی، ۱۳۹۷: ۶۴). از این رو و با توجه به اهمیت محیط زندگی در مطالعه عوامل محیطی، دو موضوع کلی آلودگی ها و فضاهای عمومی مورد توجه قرار گرفت.

شهرهای بزرگ مصرف کننده های اصلی منابع طبیعی و تولیدکننده عمده آلاینده ها هستند (سیف الدینی و منصوریان، ۱۳۹۰: ۵۳) در حال حاضر یکی از بحران هایی که در اغلب شهرهای بزرگ و بویژه کلان شهرهای جهان مشاهده می شود، آلودگی هواست که در دهه های اخیر شهر تهران و زندگی در آن را نیز به شدت تحت تاثیر قرار داده است، به نحوی که گفته می شود این شهر یکی از آلوده ترین شهرهای جهان می باشد (عسگری، ۱۳۸۸: ۱۰۷). بنابراین توجه به اهمیت شاخص آلودگی و بعد محیطی در زیست پذیری، در قالب عوامل کلان اثر گذار در این زمینه لازم و ضروری است. چراکه بدیهی به نظر می رسد که در آلودگی هوای بخش مرکزی شهر تهران، عواملی خارج از مرزهای منطقه و محله های آن، اثرگذار باشد. به باور صاحب نظران، مهمترین عوامل موثر بر آلودگی هوای تهران عبارتند از: توپوگرافی، اقلیم، جمعیت، صنعت و شبکه حمل و نقل شهری (صفوی و همکار، ۱۳۸۵: ۹۸). بنابراین عوامل انسانی و طبیعی در کنار هم، شرایط آلودگی موجود در تهران را بوجود آورده و آن را تشدید کرده اند.

به باور متخصصان در "میان عوامل متعددی که در آلودگی هوای تهران دخالت دارند، عوامل جغرافیایی از اهمیت بیشتری برخوردارند (همان: ۹۹)"، به بیان دیگر شرایط طبیعی، محیطی و جغرافیایی کلان تهران، در شدت و دوام آلودگی هوای آن و بویژه بخش مرکزی شهر تاثیر بسزایی داشته است. بنابراین بخشی از عوامل و شرایط موثر بر آلودگی های شهر تهران خارج از کنترل و مدیریت شهری آن بوده و از این رو می توانند به عنوان عوامل کلان محیطی مورد توجه قرار بگیرند. نگاهی به وضعیت شهر در گذشته نشان می دهد مسئله آلودگی در تهران، گذشته ای طولانی دارد. هورکارد در این زمینه بیان می دارد که پیامدهای آب و هوایی خاص ناشی از ناهمواری ها، نقش مهمی در منطقه بندی و در نتیجه جدایی شهر تهران ایفا کرده است. تهران شهری است که بر روی کوهپایه ای با شیب ملایم و در دامنه جنوبی البرز بنا نهاده شده است. با این وجود تفاوت میان مناطق جنوب و مرکز تا مناطق شمالی آن قابل توجه است. به گونه ای که مناطق جنوب و مرکز شهر دارای بیشترین میانگین دمایی و مناطق شمالی و بالاخص منطقه یک دارای کمترین میانگین دمایی است (سیف الدینی و منصوریان، ۱۳۹۰: ۵۷). از این رو قشر مرفه تهران، اقامتگاه دایم خود را به محله های شمال شهر، یعنی شمیران، نیاوران و تجریش منتقل کرده اند. اما محله های جنوب آب و هوای بسیار نامساعد دارند. در این باره می توان به گرمای طاقت فرسای تابستان ها و عفونت جوی ها و تشدید آلودگی هوا در این مناطق در گذشته های نه چندان دور اشاره کرد (هورکارد، ۱۳۸۸: ۲۵۲).

علاوه بر این توپوگرافی داخل شهر اغلب یک دست نیست و تپه ها و دره های متعددی در آن وجود دارد که موقعیت های متفاوتی را ایجاد می کنند و این تفاوت ها، تاثیرات چشمگیری در شرایط آلودگی هوای شهر دارد (اسکانی کزازی و همکار، ۱۳: ۱۴۷). بنابراین به لحاظ توپوگرافی نیز شهر تهران تنوع قابل ملاحظه ای دارد. شیب عمومی شهر به طرف جنوب است ولی داخل شهر هم ناهمواری های بسیار وجود دارد (اطلس جامع تهران، ۱۳۸۵: ۴۰). علاوه بر این با توجه به تاثیر و اهمیت گسترده بادهای غربی در اقلیم تهران، سدهای شمالی و

شرقی (رتفاعات البرز و کوه های محدوده بی بی شهربانو)، مانع خروج مواد زایدی می شوند که توسط بادهای مذکور به داخل فضای شهر آورده شده و سبب می شوند که هوای شهر بویژه در نواحی مرکزی و شرقی آلوده شود و همه آلاینده ها در سطح شهر باقی بمانند. از این رو هوای شهر اغلب اوقات آلوده است. شیب عمومی شمال به جنوب تهران، همچنین در وضعیت وارونگی دمایی تهران نیز اثر داشته است. شدت آلودگی زمانی زیاد می شود که بادهای جنوبی هم بوزند. از سوی دیگر آرایش سدهای کوهستانی سبب شده است که بادهای محلی نیز در تهران بوزند و در شب، نسیم کوه آلاینده ها را به طرف مرکز شهر آورده و شدت آلودگی را بالا ببرد (صفوی و همکار، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

از دیگر عوامل طبیعی موثر بر وضعیت و شرایط آلودگی هوای شهر تهران، اقلیم می باشد که از طریق عناصر آن مانند دما، بارش، فشار و باد، شرایط آلودگی شهر را کنترل می کند. متوسط دمای تهران در مردادماه به ۲۹/۸ و در دی ماه به ۲/۸ درجه سلسیوس می رسد. با وجود این، دمای هوا در مرکز تهران در طول سال بیشتر از حومه آن می باشد که این امر سبب ایجاد جزیره حرارتی و در نتیجه تغییر جریان باد از اطراف به سمت شهر و در نتیجه هدایت مواد آلاینده از حومه به داخل شهر می شود. از این رو، با توجه به شرایط خاص جغرافیایی و آلودگی های تهران، باید گفت باد بیشتر از باران در پاکسازی هوای شهر موثر است و در یک جمله؛ بادهای غربی اقلیم تهران را کنترل می کنند. این در حالی است که بخش مهمی از صنایع در جریان خروج از بخش مرکزی و داخل شهری، در غرب تهران مکانیابی و احداث شده اند. از سوی دیگر و با توجه به اینکه در شرق تهران هم بادهای شرقی غالب هستند، هر دو جریان (غربی و شرقی) مواد آلاینده را به مرکز شهر می آورند و در نتیجه مرکز شهر پتانسیل آلودگی بالایی دارد (همان: ۱۰۴).

با این همه به نظر می رسد، مهمترین عامل موثر بر آلودگی هوای تهران، وارونگی های دمایی باشد که به دو صورت تابشی و سینوپتیکی ایجاد می شوند. وارونگی های تابشی بر اثر سرد شدن شدید زمین و وارونگی های سینوپتیکی، عمدتاً بر اثر استقرار سیستم های پایدار جوی پرفشار و زبانه های آنها تشکیل می شوند. مطالعات نشان می دهد هر دو نوع وارونگی، ویژگی سرد سال هستند و همچنین بیش از ۹۰ درصد وارونگی های تهران، در ارتفاع کمتر از ۵۰۰ متر اتفاق می افتد. یعنی در اکثر موارد، نیمه شمالی تهران بالای لایه وارونگی قرار می گیرد؛ در حالی که مرکز شهر تهران (به خاطر ارتفاع آن) در زیر لایه وارونگی قرار دارد. بنابراین شرایط وارونگی فراوان، استقرار مداوم سیستم های پرفشار در طول سال، شرایط دمایی، جهت و سرعت وزش بادهای ... جملگی از ویژگی های طبیعی منطقه هستند که نمی توان آنها را تعدیل و یا از بین برد. از این رو آلودگی های هوای تهران در اکثر موارد طولانی و شدید می باشد و اغلب به مدت طولانی (برای مثال ۷۵ روز) مشاهده می شود (صفوی و همکار، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

با توجه به مجموعه مباحث یاد شده و مصاحبه با اساتید و صاحب نظران باید گفت علاوه بر عوامل محیطی درونی منطقه ۱۲، عواملی فرامنطقه ای و کلان نیز در وضعیت کلی منطقه اثرگذار بوده و هستند که خلاصه و میزان اثرگذاری آنها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۵: عوامل زیست محیطی کلان و میزان اثرگذاری آن‌ها بر شرایط زیست پذیری منطقه ۱۲

میزان اثرگذاری	گونه	وضعیت اثرگذاری گونه
اثرگذاری زیاد	پدیده غالب وارونگی دمایی در ۲۵۰ روز از سال.	۳/۹۹
اثرگذاری متوسط و کم	وجود چشم انداز و آب و هوای مطلوب و جذاب در شمال تهران.	۲/۹۶
	جهت وزش بادهای غالب شهر (غرب به شرق).	۲/۷۹
	وجود ناهمواری‌ها مانند کوهستان البرز و اتصال آن به کوه‌های شمال شرقی	۲/۴۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

نگاهی به عوامل کلان زیست محیطی اثرگذار بر زیست پذیری منطقه ۱۲ شهر تهران نشان می‌دهد پدیده غالب وارونگی دمایی این شهر در ۲۵۰ روز از سال و موقعیت قرارگیری کوه‌های اطراف تهران و جهت وزش بادهای در این شهر منجر به شرایط خاص زیستی در منطقه ۱۲ شده است. بدیهی است اگرچه عوامل مذکور خارج از حیطه و محدوده منطقه می‌باشند اما به شدت شرایط زیست آن را تحت تاثیر قرار داده اند.

عوامل مدیریتی

عوامل تصمیم‌گیری، سیاسی و مدیریتی کلان و فرامحلی که زمینه بوجود آمدن شرایط موجود زیست منطقه ۱۲ را فراهم کرده اند گسترده و متنوع می‌باشد که در ادامه به برخی از مهمترین طرح‌ها و برنامه‌های معاصر اثرگذار بر زیست پذیری شهر تهران و منطقه ۱۲ به طور خاص پرداخته می‌شود.

سیاست‌ها و قوانین شهری

اگرچه سابقه تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۴۵ که طرح جامع تهران تهیه شد، هیچ طرح کالبدی مشخصی برای هدایت توسعه شهر وجود نداشته است و تنها محور برنامه ریزی شهر تهران، قانون توسعه معابر بود (کامروا، ۱۳۸۶: ۲۵) اما می‌توان به طرح‌های جسته و گریخته‌ای اشاره کرد که کم و بیش ماهیت شهر را تغییر می‌داد. در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

- تصویب قانون تعریض و توسعه معابر در سال ۱۳۱۱ و به دنبال آن اجرای نقشه خیابان‌ها که از سال ۱۳۰۹ در دستور کار قرار گرفته بود: با تصویب قوانین مذکور، دولت برای مداخله در شکل دهی فضاها شهری اختیار به دست آورد و با احداث میداين و خیابان‌ها و ساختمان‌های اداری و تجاری، سازمان فضایی و کالبد شهرها چهره جدید به خود گرفت و سازمان و نظام‌های محله‌ای به تدریج از هم پاشید (رهنمایی و همکار، ۱۳۸۳: ۵۶). در نتیجه این اقدامات، شالوده کهن ارتباطات از هم گسسته شد و سازمان محله‌ای دچار آسیب جدی گردید. همچنین نقش بازار به عنوان ستون فقرات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی شهر، در مقابل حضور قدرتمند خیابان و انتقال بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی به حاشیه‌های آن، به طور جدی رنگ باخت (حبیبی، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

- تصویب اولین نقشه شهرسازی در سال ۱۳۱۶ برای گسترش و توسعه شهر تهران: طرح مذکور با ایجاد منطقه اداری-نظامی-اقتصادی در دل شهر کهن، به تخریب کامل محله تاریخی ارگ و کاخ ها، دروازه ها و نمادهای دوران قاجار انجامید و به جای آنها عمارت ها و ساختمان های جدید دولتی چون کاخ دادگستری، وزارت دارایی، بانک ملی، وزارت خارجه و ... احداث شد. در این اقدام تنها کاخ گلستان، شمس العماره و تکیه دولت از تخریب مستثنی می گردند(زنگانه، ۱۳۹۲: ۲۴۱).
- تصویب قانون پیش آمدگی در گذرها در سال ۱۳۱۸ و اصلاحات قانونی معابر در سال ۱۳۲۰: اجرای این طرح ها منجر به شکل گیری چهره نو در لبه خیابان ها و فراموش شدگی، فرسودگی و رهاشدگی بافت های داخلی محله ها شد. چنانکه به مرور بافت های فرسوده مجاور بازار محملی برای خدمات جانبی، انبارداری و عرضه کالاهای جدید شد(حبیبی، ۱۳۹۰: ۱۶۳).
- اجرای طرح های شهری و ایجاد تاسیسات شهری و تجدید بنای محله های قدیمی: انجام این امور توسط دولت و نیازمند زمین بود. بدین جهت دولت لایحه قانون تملک زمین را در سال ۱۳۳۹ به تصویب رساند. قانون مذکور در سال ۱۳۴۱ به شکل جامع تر و تحت عنوان طرح های گذربندی و شبکه بندی شهرها مطرح گردید که در این سال با امضای قراردادی میان هیات عمران بین المللی (گروه صلح) و وزارت کشور، برای اکثر شهرهای کشور، طرح شبکه بندی و گذربندی تهیه گردید(مرادی مسیحی، ۱۳۸۴: ۱۴۲). بنابراین، سیاست رسمی دولت و مدیریت شهری ایران از دهه ۱۳۰۰ تاکنون بیشترین نقش را در شرایط موجود بخش مرکزی شهر تهران داشته است.
- پس از انقلاب اسلامی و پاشیدگی اوضاع اقتصادی و اجتماعی از یک سو و اثرات ناشی از جنگ تحمیلی از سوی دیگر اختلالاتی در برنامه ریزی و مدیریت شهر تهران بوجود آمد که موجب متوقف شدن فعالیت های زیرساختی و سرمایه گذاری در آن و کاهش شدید مهاجرت به این شهر و افزایش مهاجرت به حومه ها شد. این امر همچنین باعث شد مدیریت شهری نتواند سیاست ایجاد تجهیزات جمعی در شهر را به مرحله اجرا درآورد(ر.ک: هورکارد، ۱۳۸۸). علاوه بر این، در این دوره تمامی ضوابط و آیین نامه های نظارت بر توسعه تهران عملاً بی اعتبار و رشد بی رویه در تمامی جهات رو به گسترش نهاد. نکته مهم دیگر در این زمان اینکه؛ به رغم تغییر بنیادی نظام سیاسی کشور، نظام شهرسازی و مدیریت شهری کشور همچنان متمرکز و آمرانه ماند، چنانکه هم اکنون نیز فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری، فرایندی متمرکز، یکجانبه و از بالا به پایین است و ساختار مدیریت شهر تهران به رغم شکل گیری شوراهای اسلامی شهر، فاقد ویژگی های مدیریت محلی-مشارکتی مدرن و دموکراتیک است که در آن خواست و نقش شهروندان در طرح ها بسیار کمرنگ بوده و نادیده گرفته می شود و ارتباطی بسامان بین شورا، شهرداری و شهروندان وجود ندارد(کمانرودی کجوری، ۱۳۸۴: ۶۰). بدین سان و از آنجایی که همه این تحولات در یک دوره کوتاه مدت ۱۷ ساله (۱۳۵۷-۱۳۴۰) اتفاق افتاد و بسیار سریع، ناموزون و غیرطبیعی بود، شهر تهران را به کانون و مظهر اصلی بحران اجتماعی-سیاسی ایران و نمونه ای از توسعه شهرنشینی بی رویه در مقیاس جهانی تبدیل کرد.

طرح جامع تهران (۱۳۴۵)

مهم‌ترین سند توسعه در شهر تهران پس از جنگ جهانی دوم، عبارت بود از طرح جامع تهران؛ معروف به فرمانفرمایان. این طرح به منظور نظارت بر گسترش شهر تهران و برنامه‌ریزی رشد آتی آن در سال ۱۳۴۵ آغاز و در سال ۱۳۴۷ تصویب شد. طرح جامع با تقسیم شهر به ده منطقه، شبکه‌ای از آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها را پیشنهاد کرده بود که حاصل آن توسعه کالبدی-فضایی تهران بود. همچنین با تقسیم فضای شهر تهران به محدوده و خارج محدوده، بنیان مسائل تازه‌ای در درون و بیرون شهر همچون گرانی زمین، ساختمان‌سازی بدون مجوز و گسترش اسکان غیر رسمی بوجود آورد. در این طرح مشکلاتی چون تراکم بالا در بخش مرکزی تهران، افزایش آلودگی، رواج بیکاری در مناطق پایین و مهاجرت گروه‌های کم‌درآمد به تهران شناسایی شدند و راه حل این معضلات، اعمال تغییرات فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی در بافت‌های شهری عنوان شد. از این رو بافت‌های قدیمی شهر، به منظور نظم و توسعه و ایجاد راه‌های جدید، مورد جراحی‌های عمیق و گسترده قرار گرفتند (مه‌دی‌زاده، ۱۳۸۲: ۴۰).

این نوع راه حل‌ها نه تنها بار مشکلات شهر را کم نکرد بلکه در سال‌های بعد خود مشکلات تازه‌ای را ایجاد کرد. همچنین در این طرح پیشنهاد ساماندهی مناطق جنوبی و جابه‌جایی طبقه کم‌درآمد از مناطق جنوبی به مناطق شمالی و ساخت ساختمان‌های بلندمرتبه در جوار بزرگراه‌ها مطرح شد که موجبات خروج جمعیت از بخش‌های داخلی و مرکزی شهر را فراهم کرد. احداث بزرگراه‌های شهری نیز زمینه این جابه‌جایی‌ها را فراهم و تسهیل نمود. همچنین در این طرح جهت گسترش شهر به سمت غرب تعیین گردید. با استقرار صنایع در این سمت، بهترین اراضی مناسب برای توسعه مسکونی در اشغال صنایع و شهرک‌های خودرو درآمد. شکل‌گیری منطقه صنعتی در غرب تهران با توجه به جهت باد غالب تهران (بادهای غربی) شهر را در هجوم آلودگی‌های ناشی از صنایع رو به گسترش قرار داد و از آنجایی که این طرح مبنای هدایت و توسعه شهر تا بعد از انقلاب بود، تاثیر مهمی بر جهت‌گیری رشد شهر در دهه‌های بعدی نیز در این محور داشت. از دیگر اثرات این طرح می‌توان به ضوابط منطقه بندی و تراکم‌های مورد نظر طرح اشاره کرد که در عمل موجب جدایی‌گزینی میان شمال و جنوب شهر شده و بر اساس آن نابرابری فضایی، خصلت رسمی و آشکار پیدا کرد (همان: ۴۳). از این رو این طرح در افزایش آلودگی‌های ناشی از وزش بادهای غربی (به علت مکان‌گزینی صنایع در جهت غرب طبق این طرح) و افزایش خروج جمعیت از بخش مرکزی شهر بیشترین تاثیر را داشته است. علاوه بر این، طرح جامع مرکز شهر تهران را نادیده می‌گیرد و ساختار توسعه شهر تهران را با توجه به معضلات مرکز شهر به سمت غرب طراحی می‌کند تا با ایجاد مراکز شهری جدید در غرب، از تمرکز هسته مرکزی کاسته شود. اگرچه به دلایلی چون افزایش درآمد حاصل از نفت و وقوع انقلاب اسلامی طرح جامع به طور کامل اجرا نشد، اما بخش‌ها و مفادی از آن بعد از انقلاب مجدداً مطرح و اجرا شد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان تغییر جهت گسترش شهر از محور شمال-جنوب به محور شرقی-غربی، احداث بزرگراه‌ها، مترو و مانند آن اشاره کرد. طرح جامع در ایجاد دسترسی سریع میان مناطق با ایجاد شبکه‌ای از بزرگراه‌ها نیز تا حد زیادی موفق بود، اما این اقدام در عمل با ارتباط میان شهر و پیرامون، موجب دست‌اندازی هرچه بیشتر شهر به زمین‌های اطراف شهر و ارتباط بیشتر پیرامون با شهر شد. به

طور کلی اثرات طرح جامع برای مناطق درونی تهران مصیبت و فاجعه محسوب می شود و تاثیرات بلند مدت منفی که ایجاد کرد، منجر به اضمحلال تدریجی بخش بزرگ و قدیمی قلب تهران گشت (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۳۴۵).

طرح ترافیک (۱۳۵۸)

در دهه ۱۳۵۰، تراکم زیاد فعالیت ها در مناطق مرکزی شهر به انسداد شدید ترافیک انجامید که منجر به اقدامی بنیادی در بعد از انقلاب شد (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۲۱۲). سازمان حمل و نقل ترافیک تهران از اسفندماه سال ۱۳۵۷ بررسی هایی به منظور دستیابی به یک شبکه حمل و نقل متعادل در رابطه با سامانه اتوبوسرانی (تشویق به استفاده از وسایل نقلیه عمومی)، افزایش پیاده روی، کاهش استفاده از وسایل نقلیه شخصی و احیای بافت تاریخی به خصوص در مرکز شهر آغاز کرد. با توجه به اهمیت اقتصادی، سیاسی و مرکزیت منطقه ۱۲ تهران، از ابتدای شهریور سال ۱۳۵۸ و با هدف تامین اولویت حرکت وسایل نقلیه عمومی، کاهش ترافیک، آلودگی صوتی و هوای این منطقه، طرح ترافیک به اجرا گذاشته شده است. مرز شمالی این محدوده خیابان طالقانی، مرز غربی آن خیابان حافظ و مرزهای جنوبی و شرقی طرح مورد نظر به ترتیب خیابان مولوی و مصطفی خمینی بودند. مرزهای محدوده ترافیک بعدها و با توجه به شرایط و نیاز منطقه، از سمت شمال به خیابان فاطمی و مطهری و از جهت غربی، به خیابان کارگر افزایش یافت. در سال ۱۳۸۱ با تغییر مرز شرقی به خیابان مازندران و ۱۷ شهریور و مرز جنوبی به خیابان شوش، محدوده طرح به ۳۱ کیلومتر مربع افزایش یافت. اجرای این طرح و توسعه آن در سال های بعد باعث شد تمامی منطقه ۱۲ تحت پوشش طرح ترافیک قرار بگیرد (زنگانه، ۱۳۹۲: ۲۴۷). اگرچه نتایج این طرح در تسهیل رفت و آمد در مرکز شهر و کاهش ترافیک و آلودگی هوا تا اندازه ای اثربخش بود، اما اغلب با نارضایتی هایی، بویژه از سوی خانوارهای ساکن به دلیل عدم امکان تردد اتومبیل شخصی در ساعات مشخص و محدودیت های ترافیکی مواجه گردید که باعث تمرکززدایی فعالیت و جمعیت از منطقه و در نتیجه فرسودگی و زوال آن شد (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۲۱۲). از دیگر نتایج ناخواسته این طرح انتقال فعالیت های خاص مرکز شهر به حواشی مرز محدوده ترافیک و تمرکز واحدهای اداری و تجاری در محدوده شمالی مجاور منطقه بازار بود. این موضوع به همراه کاهش مطلوبیت دسترسی به منطقه باعث رونق فعالیت های تجاری در مناطق با دسترسی آزاد و مطلوب شده و در این شرایط، فعالیت های اقتصادی پر رونق منطقه با انبارها و کارگاه های تولیدی درجه دو و سه جایگزین شده که در نهایت این شرایط منجر به افت قیمت زمین و مهاجر فرستی از منطقه شده است.

طرح آماده سازی (۱۳۶۰)

در سال های اول انقلاب اسلامی و به دلیل از هم پاشیدگی نظام اقتصادی و سازمان مدیریت شهری کشور، نوعی ساخت و ساز بی رویه تحت لوای مسکن سازی انقلابی رواج یافت (کمانرودی کجوری، ۱۳۸۴: ۵۴). از جمله این اقدامات که در سال ۱۳۶۰ و در زمینه توسعه شهری به اجرا درآمد، طرح های آماده سازی بود. هدف از اجرای این طرح ها، حل مشکل مسکن از طریق واگذاری زمین به متقاضیان مسکن در شهرها بود. در این طرح ها دولت پس از تهیه نقشه های تفکیکی، زمین های مصادره شده و دولتی را که در حاشیه شهرها و خارج از محدوده قانونی طرح های شهری قرار داشت، از طریق سازمان زمین شهری، در اختیار متقاضیان قرار می داد تا بر اساس ضوابط اقدام به

احداث مسکن کنند. از تاثیرات مثبت محدود این طرح ها می توان به کاهش مقطعی بهای زمین در شهرها و تامین مسکن بخشی از طبقه نیازمند جامعه در آن زمان بود. در مقابل، اثرات منفی آنها گسترده و دارای اثرات طولانی مدت بود. عدم تدوین ضوابط اجرایی برای پروژه ها و فقدان پشتیبانی مالی دولتی از یک سو و ناتوانی مالی افراد برای ساخت و ساز مناسب و مطابق با قوانین و مقررات زمین ها از سوی دیگر، عملاً طرح مذکور را با موانع و مشکلات جدی مواجه ساخت. از دیگر نتایج منفی این طرح ها که در طول زمان نمایان شد؛ توسعه افقی و بدون برنامه شهر، تخلیه محله های قدیمی و مرکزی تهران، تشدید روند مهاجرت های روستا به شهری، نارسایی در دسترسی به خدمات و زیرساخت های مورد نیاز شهری، تشدید تغییر کاربری اراضی در زمین های مجاور به محل طرح های آماده سازی، تشدید مشکلات مدیریتی شهرها و بسیاری موارد مشابه است (ر.ک: رهنمایی و همکار، ۱۳۸۳). از این رو دهه ۶۰ را می توان دوره آغاز جدی برون فکنی جمعیت و عملکردها در هاله پیرامونی تهران، گرایش به توسعه منفصل و شکل گیری منطقه کلانشهری دانست. تداوم این جریان در سال های بعد، زمینه های سازمانیابی و تکوین منطقه کلانشهری تهران را فراهم کرد. این جریان تاثیرات مهم و قابل توجهی در مرکز شهر و بخش های درونی تهران داشت (زنگانه، ۱۳۹۲: ۲۵۵).

شهرهای جدید و شهرک های اقماری

اگرچه تهران از همان آغاز دوره نوسازی خود، شهرها و روستاهای پیرامون را تحت تاثیر قرار داد، اما توسعه آن تا حدود سال ۱۳۵۰، عمدتاً پیوسته و متصل بود. از آن زمان به بعد و بنا به علل مختلف مثل شتاب گرفتن پویای شهرنشینی، اشباع بستر جغرافیایی، گرانی زمین، رشد سریع صنایع و خدمات، هجوم وسیع مهاجران جدید و ... توسعه ناپیوسته و پیرامونی در اطراف تهران با شتاب رو به گسترش نهاد. پویای توسعه ناپیوسته و پیرامونی در اطراف تهران به صور مختلف مثل بزرگ شدن شهرهای اطراف، تبدیل روستاها به شهر، بزرگ شدن روستاها و ایجاد شهرها و شهرک های جدید به ظهور رسید (مهدیزاده، ۱۳۸۲: ۳۶). بنابراین یکی از تحولات مهم کالبدی-فضایی تهران در دوره سال های ۵۷-۱۳۴۰ تسریع روند شهرک سازی و شهرک نشینی و گرایش به سمت حومه های پیرامونی است. به دنبال ایجاد شهرک های جدید در نزدیکی تهران مثل تهران ویلا (۱۳۴۶)، باغ فیض (۱۳۵۰)، بهجت آباد (۱۳۵۱)، اکباتان (۱۳۵۵)، شهرک غرب (۱۳۵۵) و ... به تدریج پدیده شهرک سازی به حوالی شهرستان های مجاور و محوره های اصلی برون شهری نظیر (کرج، ری، ورامین، دماوند و ...) کشیده شد که زمینه را برای توسعه های پیرامونی و حاشیه نشینی در سال های بعد از انقلاب و ایجاد مجموعه و منظومه شهری در منطقه تهران فراهم کرد. در طول این سال ها تمامی نواحی حاشیه ای و حومه ای شهر به ویژه در محور جاده های ارتباطی (هشت محور اصلی) تا شعاع حدود ۵۰ کیلومتر به صورت کانون های جدید سکونت و فعالیت درآمد (مهدیزاده، ۱۳۸۲: ۴۰).

در نتیجه در اواسط دهه ۱۳۵۰ سازمان برنامه و بودجه ایران به منظور تهیه و تدارک طرح استراتژی فضایی برای کاهش رشد سریع تهران و سازمان دادن و ارتقای توسعه منطقه ای، ستیران (مشاور برنامه ریز فرانسوی) را به خدمت گرفت که با وقوع انقلاب اسلامی طرح متوقف شد. با این وجود ستیران برای اولین بار استراتژی شهرهای جدید را برای تمرکززدایی از جمعیتی، فعالیتی و اقتصادی از شهرهای بزرگ ارائه کرد. کانون توجه این طرح تهران و رشد

نامنظم آن بود (خزاعی نژاد، ۱۳۸۷: ۸۶). این روند در سال های بعد با احداث شهرهای جدید توسط دولت و واگذاری اراضی خارج از محدوده شهرها به تعاونی های کارمندی و ادارات تقویت شد و منجر به شکل گیری کانون های جمعیتی متعدد و نوعی الگوی اسکان پراکنده در پیرامون تهران شد. از این رو سال های پس از انقلاب تا دهه ۱۳۶۰ تهران گسترده ترین تحولات و دگرگونی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را که بازتاب فضایی آن در تغییرات شهر و پیرامون بود تجربه کرد. نکته مهم در این رابطه، جمعیت پذیری این حومه های تازه از جانب خانواده های محله های تهی دست جنوب شهر تهران به جای جذب مهاجران تازه وارد به تهران بود. برای مثال کارگرانی که تا قبل از آن در گودها و محله های میدان شوش سکونت داشتند، به امید دست یافتن به مسکنی جادارتر، ارزان بهتر و با مصالحی مرغوبتر دور از قلب پایتخت، سکنی گزیدند. جریان مذکور از یک سو و افزایش سیل مهاجرت از تمام کشور به سمت تهران و ورود بخشی از آنها به مرکز شهر و بالاخص منطقه ۱۲ به علت گرایش بالای اقتصادی برای مهاجران جویای کار (اطلس جامع تهران، ۱۳۸۵: ۲۸۵) از سوی دیگر، باعث شکل گیری موجودیتهای بی شمار در مرکز شهر و در نتیجه تضادها و تعارضات اجتماعی گردید؛ که در نهایت منجر به شکل گیری جدایی اجتماعی جدیدی میان مرکز و پیرامون شد (هورکار، ۱۳۸۸: ۹۰).

طرح ساماندهی تهران (۱۳۷۰)

دوره طرح جامع تهران تا سال ۱۳۷۲ در نظر گرفته شده بود. اما با توجه به مشکلات تهران و دشواری تهیه یک طرح همه جانبه و درازمدت، تهیه طرحی کوتاه مدت به منظور ارائه راه حل های سریع جهت حل نسبی مشکلات حاد تهران، به عنوان الگویی میانی انتخاب گردید که طرح "حفظ و ساماندهی شهر تهران" نام گرفت. در این طرح ساختار چند هسته ای به جای ساختار تک مرکزی پیشنهاد و شهر به پنج حوزه شهری و ۲۲ منطقه به شرح زیر تقسیم شد:

- حوزه شمالی: مناطق ۱، ۲، ۳، ۶ و ۷ با کارکرد غالب اداری، دیپلماتیک و بازرگانی،
- حوزه شرقی: مناطق ۴، ۸، ۱۳ و ۱۴ با کارکرد غالب صنعتی، کارگاهی و تجاری،
- حوزه جنوبی: مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ با کارکرد غالب مذهبی، زیارتی و سیاحتی،
- حوزه مرکزی: مناطق ۱۰، ۱۱ و ۱۲ با کارکرد غالب فرهنگی، تاریخی، تجارتي و سیاحتی.

طرح ساماندهی تهران به دلیل وظایف کوتاه مدت، نتوانست به برنامه ای راهبردی بدل گردد و در عمل جز در مورد تعیین برخی ضوابط کالبدی و کاربری، نقش تعیین کننده ای ایفا نکرده است (مهدیزاده، ۱۳۸۲: ۴۰). از این رو، به رغم تعریف نقش غالب فرهنگی، تاریخی و سیاحتی برای بخش مرکزی شهر تهران و منطقه ۱۲، عملاً این نقش به نقش غالب تجاری محدود شد. مهمترین دلیل این امر می توان در انتشار و خروج فعالیت های اقتصادی به خارج از بازار تهران دانست. نخستین نطفه های شروع این جریان به زمان های بسیار دور و اواخر قرن نوزدهم می رسد. پیش از آغاز جنگ جهانی، مرکز جدید شهر در توپخانه یا میدان سپه بود (در کمتر از یک کیلومتری شمال ارگ). در این زمان خیابان لاله زار که احداث آن به زمان ناصری می رسد مرکز عرضه کالاهای تجملی، غربی و باب روز بود. از جنگ جهانی دوم تا پایان دهه ۴۰، میدان فردوسی (۵۰۰ متری شمال توپخانه) مرکز شهری جدید شد. خیابان های فردوسی و سلسبیل نیز در همین جریان با کارکرد تجاری شکل گرفتند. با این همه بازار همچنان فعال و به

کارکردهای فرهنگی-تجاری خود ادامه می داد. با انقلاب سفید محمدرضاشاه در سال ۱۳۴۱، مرکز جدید شهر ۵۰۰ متر دیگر به سوی شمال تغییر مکان داد و کانون اصلی آن به خیابان تخت جمشید رسید. بنابراین بخش عمده فعالیت های تجاری شهر به خارج از محدوده بازار سرایت کرد و در اماکن متعدد بسط یافت (هورکارد، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

فروش تراکم (۱۳۷۰)

مهم ترین تحول مدیریت شهری در سال های پس از انقلاب اسلامی، حرکت به سمت خودکفایی مالی و استقلال شهرداری ها از دولت پس از ابلاغ بودجه سال ۱۳۶۲ بود. افزایش سریع جمعیت شهری در این سال ها از یک سو و کاهش جدی پرداخت های مالی دولت به شهرداری ها از سوی دیگر منجر به مصوبه شورایی عالی شهرسازی و معماری در سال ۱۳۶۹ و گردید (افشانی، ۱۳۹۷: ۴۶). بر این اساس شهرداری ها و در راس آنها شهرداری تهران در نیمه اول دهه ۷۰، مبادرت به فروش تراکم مازاد ساختمانی و تغییر و تثبیت کاربری اراضی و املاک، حذف پارکینگ های مورد نیاز و ... کردند و به درآمدهای قابل توجهی نیز دست یافتند. بنابراین شهرداری تهران در دهه ۱۳۷۰ به اقدامات وسیعی در این شهر دست زد که تاثیر عمیقی بر ساختار فضای شهر تهران گذاشته است (کمانرودی کجوری، ۱۳۸۴: ۵۲). در سال ۱۳۷۶ مصوبه ۲۶۹ شهرداری تصویب شد. بر اساس این مصوبه، ساخت و سازهای جدید به حداکثر هفت طبقه محدود می شد و هر قطعه زمین تنها با مساحت بالای ۳۰۰ متر و در عرض معبر بیش از ۱۲ متر می توانست چهار طبقه اضافه تراکم بگیرد و زمین های کوچک تر از ۳۰۰ متر و با دسترسی کمتر از ۱۲ متر حداکثر یک طبقه اضافه تراکم ساختمانی دریافت می کنند. بازخورد این مصوبه در مناطق مختلف شهر از دیدگاه ضرورت نوسازی نواحی مسئله دار و نیازمند نوسازی برعکس بود، چراکه اکثر قطعات زمین های مناطق مرکزی و جنوب شهر تهران که اغلب مناطقی فقیرتر و فرسوده تر بودند، دارای قطعات تفکیکی با مساحت کمتر از ۳۰۰ متر مربع هستند (اصطلاحاً بافت ریزدانه). از این رو، ارزش افزوده ساخت و ساز مازاد در مناطق جنوبی و فقیرتر بمراتب کمتر از اراضی شمال و مناطق مرفه شهر خواهد بود. چون معمولاً میانگین مساحت قطعات تفکیکی مناطق شمالی بیشتر از ۳۰۰ متر مربع است. لذا مواهب جذب سرمایه گذاری ناشی از این مصوبه نیز مناطق شمالی و مرفه نشین را هدف قرار داده است (خیرالدین، ۱۳۸۹: ۷۴) و عملاً بخش های جنوبی و مرکزی که دارای بیشترین سهم از بافت فرسوده، قدیمی و در نتیجه نیازمند نوسازی هستند، بهره چندانی نبرده و وضعیت آنها تغییری نکرد.

با توجه به موارد مطرح شده، به باور پژوهش حاضر عوامل زیر به عنوان مهمترین سیاست ها و تصمیمات کلانی هستند که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر شرایط موجود منطقه ۱۲ اثرگذار بوده اند.

۱. عدم مشارکت مردم در طرح های توسعه شهری
۲. سیاست ها و قوانین شهری
۳. طرح جامع تهران و طرح ساماندهی تهران
۴. طرح ترافیک (۱۳۵۸)
۵. طرح آماده سازی (۱۳۶۰)
۶. قانون شهرهای جدید و شهرک های اقماری (۱۳۶۲)
۷. فروش تراکم

جدول ۳: عوامل مدیریتی و تصمیمات کلان و میزان اثرگذاری آن‌ها بر شرایط زیست پذیری منطقه ۱۲

میانگین	گویه
رتبه	
۵/۲۵	عدم جلب مشارکت مردم در تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرای طرح های توسعه شهری
۴/۹۰	سیاست ها و قوانین شهری
۴/۹۰	طرح ترافیک
۴/۳۸	طرح جامع تهران و طرح ساماندهی تهران
۴/۳۷	قانون شهرهای جدید و شهرک های اقماری
۳/۶۵	طرح آماده سازی
۳/۴۶	فروش تراکم

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶

نظر به مباحث مطرح شده در خصوص سیاست های کلی حاکم بر مدیریت شهری تهران از گذشته تا به امروز که به برخی از مهمترین آن‌ها اشاره شد، به جرات می توان گفت شرایط و اوضاع زیست پذیری منطقه ۱۲ شهر تهران بیشترین تاثیر را از عوامل کلان مدیریتی گرفته است. چنانکه در جدول ۳ که نتایج حاصل از نظرخواهی از خبرگان نیز آمده است، عدم مشارکت مردم در فرایندهای تهیه، تصویب و اجرای طرح های شهری به طور کلی و پس از آن طرح های مختلف موردی که در زمینه های شهرهای جدید، ترافیک، زمین شهری و ... به تصویب و اجرا رسیده است، جملگی نقش مهمی در کاهش شرایط مطلوب زیستی در این منطقه داشته است. بنابراین اگرچه بدیهی است هر سیاستی برای کلیت شهر، سلول های آن را تحت تاثیر قرار می دهد اما مدیریت شهر تهران باید در عین حال که دارای راهبردهای مشخص در خصوص چگونگی مواجهه با کلیت شهر است، اجزای حیاتی آن (محله ها و مناطق) را نیز به طور مستقل و ویژه مورد توجه ویژه قرار دهد (افشانی، ۱۳۹۷: ۴).

نتیجه گیری و دستاوردهای تحقیق

در این مقاله به برخی از عوامل اقتصادی، زیست محیطی و مدیریتی در قالب سیاست ها، طرح ها و تصمیمات کلان و عامی پرداخته شد که به باور پژوهش حاضر، اگرچه خارج از منطقه ۱۲ و گاه بسیار فراتر و در سطح کشور بودند، اما به طور مستقیم و غیر مستقیم در شکل گیری و بوجود آمدن شرایط موجود این منطقه اثرگذار بوده اند. برای مثال بسط روابط سرمایه داری در زمان رضاشاه، مهمترین تحول اقتصادی بود که حیات شهری ایران و بالاخص تهران را به جهت نقش غالب سیاسی، اقتصادی و حکومتی آن متاثر کرد. بدین سان صنایع جای کارگاه ها و مشاغل تولیدی کوچک و پیشه وری را گرفت و با افزایش واردات کالاهای مصرفی و قبول نقش تولیدکننده مواد خام در تقسیم کار جهانی، الگوی تولید، توزیع و مصرف جامعه دگرگون شد. همزمانی تحولات یاد شده با مکان گزینی صنایع جدید در خارج از محدوده شهر و بویژه در مسیرهای ارتباطی اطراف تهران و بویژه محور غرب، نخستین زمینه های برون گرایی فعالیت و جمعیت را فراهم کرد. از این رو بخش عمده ای از کارگران بازار تهران که از ابتدایی ترین حقوق کار بی بهره بودند، تمایل زیادی برای کار در کارخانه هایی داشتند که اگرچه خارج از بخش مرکزی و قلب تجاری شهر بود، اما کارکنانشان از مزایای بیمه، مرخصی، تعطیلات و ساعت کار مشخص بهره مند بودند. این جریان گسترده ترین تاثیر را بر خروج جمعیت از بخش مرکزی داشت. چنانکه در سال های بعد نیز اثرات مهمی بر کالبد و تغییرات کاربری در منطقه ۱۲ داشت. در کنار این مهم نباید از نقش قوانین و طرح های شهری تهران که به نحو

بارزی زیست پذیری بخش مرکزی آن را متاثر کرده است، چشم پوشید. یکی از مهمترین و قدیمی ترین این قوانین، قانون توسعه معابر مصوبه سال ۱۳۰۹ ه.ش است که در جهت بهبود حمل و نقل و تسهیل نظام حرکت سواره به اجرا درآمد. قانون توسعه و گسترش شهر تهران در سال ۱۳۱۶ که به تخریب کامل محله تاریخی ارگ، کاخ ها، دروازه ها و نمادهای دوران قاجار انجامید نیز یکی دیگر از این قوانین است. اگرچه این قوانین، شهر تهران را برای عملکردها و امکانات مدرن همچون اتومبیل آماده می کرد، اما در اساس و از جنبه مفاهیم و اصول زیست پذیری و بویژه مفهوم انسجام اجتماعی و ساختار محله ای شهر، آن را تضعیف کرد.

در همین زمینه باید به نقش طرح های مختلف از جمله طرح جامع تهران (که با تاکید بر گسترش شهر و صنایع در جهت غربی، احداث بزرگراه های شهری، خروج جمعیت از بخش های جنوبی شهر و ...)، طرح ترافیک (با هدف کاهش ازدحام و ترافیک و بهبود وضعیت حمل و نقل و جابه جایی و کاهش آلودگی هوا) و طرح های آماده سازی و شهرهای جدید اقماری (که با توجه به شرایط خاص تهران در دوران پس از انقلاب، جنگ تحمیلی و افزایش جمعیت، مراکز سکونتی جدیدی در پیرامون شهر تهران مکانیابی و احداث کردند) اشاره کرد. اگرچه طرح های مذکور هر کدام نتایج مثبتی در زمینه مورد مطالعه شان داشتند، اما به نوعی موجبات آغاز جدی برون فکنی فعالیت و جمعیت از بخش مرکزی و به نوعی افت زیست پذیری آن شدند. این طرح ها و توسعه شهر در دوران پس از انقلاب، موجب تخریب هسته قدیم شهر و رواج رویکرد مدرنیستی و سوداگرانه نسبت به بافت قدیمی شهر گردید. به نحوی که اکنون بافت قدیمی تنها بخش بسیار کوچکی (نزدیک به چهار درصد) از کلان شهر در حال گسترش تهران را در بر گرفته است و به طور جدی دچار زوال و عدم نگهداری است.

اما برای پاسخ به سؤال و مساله اصلی تحقیق مبنی بر نقش عوامل کلان در شکل گیری شرایط موجود زیست پذیری تنها به تحلیل های انجام شده بر اساس مطالعات کتابخانه ای و اسنادی اکتفا نشد و از نتایج تکمیل پرسشنامه خبرگان نیز استفاده شد. چنانکه در جداول نتایج آزمون فریدمن برای سنجش میزان اثرگذاری گویه ها (جدول ۱ تا ۳) آمده است مرکزیت تجاری و عملکرد فرا منطقه ای بازار تهران (با اثرگذاری ۵,۰۷)، سیاست های کلی مدیریت شهری و به عبارت دقیق تر عدم مشارکت مردم در تصمیم سازی (با اثرگذاری ۵,۲۵)، تصمیم گیری و اجرای طرح های توسعه شهری (با اثرگذاری ۴,۸۹) و شرایط زیست محیطی کلان از جمله شرایط خاص آب و هوایی تهران و پدیده غالب وارونگی دمایی در ۲۵۰ روز از سال (با اثرگذاری ۳,۷۷) به عنوان مهم ترین عوامل و فرایندهای کلان اقتصادی، مدیریتی و زیست محیطی هستند که بر زیست پذیری منطقه اثرگذار بوده اند. بر همین اساس، ادعای تحقیق مبنی بر نقش عوامل و فرایندهای کلان اثرگذار بر زیست پذیری و وجود رابطه میان آنها تایید می شود.

بنابراین در شناخت و فهم زیست پذیری نمی توان و نباید عوامل زمینه ساز بروز و بوجود آمدن آن را از نظر دور داشت. از این رو، اگرچه شناخت وضعیت موجود زیست پذیری به بوسیله مجموعه ای از ابعاد و شاخص ها صورت می گیرد، اما این شناخت، چیزی جز درک شهروندان از شرایط موجود زیست آنها نیست و آنچه زمینه شکل گیری شرایط کنونی را بوجود آورده است، در حقیقت عوامل کلان به عنوان زمینه ساز شرایط خرد بوده است. بنابراین پیشنهاد می شود به جای انجام مطالعات تکراری در ارزیابی و شناخت وضع موجود زیست پذیری محله ها، مناطق، شهرها و روستاهای کشور بر اساس معیارها و شاخص هایی که به شرایط و وضعیت کنونی تاکید دارد، به

بررسی علل و زمینه‌هایی پرداخته شود که بوجود آورنده شرایط موجود زیست پذیری است و می‌تواند سهم بسزایی در جلوگیری از کاهش شرایط زیست آینده شهرها و روستاهای کشور داشته باشد.

منابع

- احسن، کاظم (۱۳۸۵)، چشم انداز تمرکززدایی از تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- اسکانی کزازی، غلامحسین. لاله سیاه پیرانی، میترا (۱۳۸۹)، تحلیل سینوپتیکی آلودگی هوای شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا، ۱۶۱-۱۳۵.
- افشانی، سید محمدعلی (۱۳۹۷)، شهر زیست پذیر شهروند مشارکت پذیر، برنامه پیشنهادی شهر و شهرداری تهران، مرکز مطالعات شهرداری تهران.
- اطلس کلانشهر تهران (۱۳۸۹)، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران با همکاری دانشگاه تهران، تهران.
- بندرآباد، علیرضا (۱۳۸۹)، تدوین اصول الگوی توسعه فضایی و شکل شهر زیست پذیر ایرانی (مطالعه موردی مناطق ۱، ۱۵ و ۲۲ تهران)، رساله دکتری به راهنمایی دکتر حمید ماجدی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- حبیبی، داود. قشقای، رضا. حیدری، فرزاد (۱۳۹۲)، نگاهی به ویژگی‌ها و معیارهای شهر زیست پذیر، کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و شهرسازی پایدار، تبریز.
- حسامیان، فرخ. اعتماد، گیتی. حائری، محمدرضا (۱۳۸۷)، شهرنشینی در ایران، چاپ ششم، انتشارات آگاه، تهران.
- حسامیان، فرخ (۱۳۸۸)، تجددگرایی و شهرنشینی، مجموعه مقالات توسعه فرهنگی اجتماعی کلان شهر تهران، دفتر مطالعات فرهنگی شهر تهران.
- خراسانی، محمدامین (۱۳۹۰). تبیین زیست پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی (مطالعه موردی شهرستان ورامین)، رساله دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
- خزاعی نژاد، فروغ (۱۳۹۴). تحلیل زیست پذیری در بخش مرکزی شهر تهران مورد پژوهش: محله‌های منطقه ۱۲، رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم جغرافیایی.
- خزاعی نژاد، فروغ (۱۳۸۷)، بررسی تحولات اقتصادی اجتماعی شهرهای جدید اطراف تهران (نمونه موردی شهر جدید اندیشه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- خیرالدین، رضا (۱۳۸۹)، تحلیل زمین مرجع اقدامات مدیریت شهری تهران در دوره ۱۳۸۶-۱۳۷۲ بسوی یکپارچگی شهری یا تشدید شکاف فضایی؟، هنر و معماری، شماره ۴۲، صص ۸۲-۷۱.
- داودپور، زهره (۱۳۸۴)، کلانشهر تهران و سکونتگاه‌های خوروی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- دوپلاتول، گزایوه (۱۳۵۸)، مطالعاتی درباره جغرافیای انسانی شمال ایران، ترجمه: سیروس سهامی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- رهنمایی، محمدتقی. شاه حسینی، پروانه (۱۳۸۶)، فرایند برنامه ریزی شهری ایران، انتشارات سمت، تهران.
- رنجبر، هادی و همکاران (۱۳۹۱)، نمونه گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳، صص ۲۵۰-۲۳۸.
- زند، مرجانه (۱۳۹۴)، نقش باغ درون شهری در شکل گیری قرارگاه‌های رفتاری، نمونه موردی: شهر تهران، باغ نظر، سال ۱۲، شماره ۳۳، صص ۱۲۸-۱۱۷.
- زنگانه، احمد (۱۳۹۲)، تبیین پژمردگی شهری در منطقه ۱۲ شهر تهران، رساله دکتری، راهنما: دکتر فرانک سیف‌الدینی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- سلیمانی مهرنجانی، محمد و همکاران (۱۳۹۵)، زیست پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها، مجله پژوهش‌های جغرافیایی برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، دوره ۴ شماره ۱، صص ۵۰-۲۷.

- سیف الدینی، فرانک. منصوریان، حسین (۱۳۹۰). تحلیل الگوی تمرکز خدمات شهری و آثار زیست محیطی آن در شهر تهران. محیط شناسی، شماره ۶۰، ص ۵۳-۶۴.
- عسگری، سهراب (۱۳۸۸). بررسی اثرات زیست محیطی بر توسعه فضاهای شهر تهران، مجموعه مقالات توسعه فرهنگی اجتماعی کلان شهر تهران، دفتر مطالعات فرهنگی شهر تهران.
- کامروا، سید محمدعلی (۱۳۸۶). شهرسازی معاصر ایران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کمانرودی کجوری، موسی (۱۳۸۴). موانع ساختاری مدیریت توسعه شهری تهران، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۶۱-۵۲.
- صفوی، سید یحیی. علیجانی، بهلول (۱۳۸۵). بررسی عوامل جغرافیایی در آلودگی هوای تهران، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۸، صص ۱۱۲-۹۹.
- هورکارد، برنارد (۱۳۸۸). تهران البرز، ترجمه سیروس سهامی، نشر محقق، تهران.
- نادری فر، مهین و همکاران، گلوله برفی، روشی هدفمند در نمونه گیری تحقیقات کیفی، گام های توسعه در آموزش پزشکی، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، شماره ۳، صص ۱۷۹-۱۷۱.
- مدنی پور، علی (۱۳۸۱). تهران ظهور یک کلانشهر، ترجمه: حمید زرآزوند، نشر پردازش، تهران.
- مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۴). طرح استراتژیک تهران ۸۰، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری تهران.
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۱). نظری به روند تاریخی توسعه کالبدی-فضایی شهر تهران (بخش دوم: دوره نوسازی و پیدایش مادرشهر تهران)، جستارهای شهرسازی،
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۱). نظری به روند تاریخی توسعه کالبدی-فضایی شهر تهران (بخش دوم: دوره نوسازی و پیدایش مادرشهر تهران)، جستارهای شهرسازی، شماره ۳، صص ۲۶-۱۶.
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۲). نظری به روند تاریخی توسعه کالبدی-فضایی شهر تهران (بخش سوم: دوره تکوین کلانشهر تهران ۱۳۵۷-۱۳۴۰)، جستارهای شهرسازی، شماره ۴، صص ۴۳-۳۷.
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۲). نظری به روند تاریخی توسعه کالبدی-فضایی شهر تهران (بخش چهارم: دوره شکل گیری مجموعه شهری تهران ۱۳۵۷ تا امروز)، جستارهای شهرسازی، شماره ۵، صص ۴۱-۳۴.
- مهدیزاده و همکاران، (۱۳۸۵). برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی دفتر معماری و طراحی شهری، تهران.